

دیدگاه

سونامی دروغ و تحریف

اکبر نصراللهی *

پیشرفت تکنولوژی‌های ارتباطی، تعدد و کثرت رسانه‌ها جهان را به «کارگاه بزرگ ارتباطات سیاسی» تبدیل کرده است. به‌گونه‌ای که به مدد این انقلاب گسترده ارتباطاتی، برخلاف گذشته مردم می‌توانند تولیدات رسانه‌ها را راستی‌آزمایی کنند و فاصله بین ادعا و عمل آنها را متوجه شوند. از جمله ادعاهای رسانه‌های غربی، بی‌طرفی، عینیت، پایبندی به صحت و دقت در تولید و انتشار اخبار و حق مردم به دانستن است اما وقایع چند روز گذشته بار دیگر ثابت کرده است این رسانه‌ها بیش از پیش و بدون توجه به دسترسی‌های مردم به انواع رسانه‌ها و بالا رفتن سواد رسانه‌ای‌شان، سانسور، دروغ و برخورد‌های دوجانبه را با روش‌ها و تاکتیک‌های مختلف همچنان در دستور کار دارند که فقط چند نمونه را یادآوری می‌کنم؛ این توضیح که ذکر این مصادیق به معنای تایید عملکرد رسانه‌های داخلی نیست:

۱. حدود ۱۰ روز قبل ۱۷ شهریور، ملکه ۹۶ ساله انگلیس بعد از ۷۰ سال سلطنت درگذشت؛ بی‌بی‌سی برخلاف ادعاهای همیشگی خود در مورد حق مردم به دانستن و آزادی بیان و با وجود اتهام زنی مستمّر به رسانه‌های دیگر کشورها مبنی‌بر ایجاد محدودیت در اطلاع‌رسانی و نقض آزادی و جریان آزاد اطلاعات، کامنت‌های صفحه اینستاگرام را در سرویس‌های مختلف از جمله فارسی، انگلیسی و عربی مسدود کرده بود.

۲. همچنین بی‌بی‌سی فارسی در روزهای اول با وجود وقوع خبرهای مهم در دنیا و نیاز مردم به دانستن این خبرها، هیچ خبری جز مطالب مربوط به درگذشت ملکه و دست بوسی به «پادشاه چارلز سوم» پخش نکرده است؛ انگار مردم از جمله مردم ایران برخلاف ارزش خبری مجاورت و ضرب‌المثل معروف «جنگ سگ‌ها در میدان اپرای پاریس همشیتش بیش از جنگ بالکان است»، فقط نیاز و دوست دارند در مورد ملکه ۹۶ ساله و ابراز احساسات غلیظ کارکنان و مجریان بی‌بی‌سی بدانند. در صورتی که مردم مناطق مختلف از جمله ایران به وقایع حتی کم اهمیت کشور و محله و شهرشان بیش از مرگ ملکه اهمیت می‌دهند.

راستی اگر رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران هر کشوری غیر از انگلیس همانند بی‌بی‌سی در مورد ملکه یا شخصیت عالی‌رتبه خود این‌گونه عمل و ابراز احساسات و کل کشور و حتی دنیا را هم درگیر می‌کردند، بی‌بی‌سی در مورد آن رسانه، روزنامه‌نگاران و مردم چه صفتی را به کار می‌برد؟

۳. اربعین بزرگ‌ترین مراسم مذهبی سالانه جهان، معجزه ابررسانه و درعین حال دارای همه ارزش‌های خبری است؛ راهپیمایی مراسم اربعین اسمال با وجود همزمانی تقریبی با چالش‌های امنیتی و ناامنی‌های عراق باشکوه‌تر از گذشته برگزار شد. اما چه شده است بی‌بی‌سی، ایران اینترنشنال، من‌وتو و سایر رسانه‌های همسو با غرب، از راهبرد سکوت درخصوص پوشش این واقعه صرف‌نظر کرده و به راهبرد بزرگنمایی اربعین ۱۴۰۱ روی آورده‌اند و چه اتفاقاتی را از اربعین اسمال پوشش داده‌اند؟

۴. و اما موضوع جدیدتر اینکه روزنامه آمریکایی «نیویورک‌تایمز» روز جمعه ۱۶ سپتامبر (۲۵ شهریور) در خبری مدعی شد که آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران به دلیل بیماری، تمامی برنامه‌هایش را در هفته گذشته لغو کرده است. این روزنامه به نقل از چهار منبع مطلع که نام‌شان فاش نشده نوشته است: «آیت‌الله خامنه‌ای هم‌اکنون تحت نظر تیمی از پزشکان قرار دارد. یکی از این منابع مطلع هم خبر داد که رهبر جمهوری اسلامی ایران در هفته گذشته با درد شدید معده و تب بالا روبه‌رو بوده و به دلیل «انسداد روده» تحت عمل جراحی قرار گرفته است.»

برخلاف دروغ این روزنامه آمریکایی، در هفته‌آخر دو برنامه با حضور رهبر انقلاب اسلامی برگزار شد که یکی از این برنامه‌ها توسط نیما نکیسا، دروازه‌بان سابق تیم ملی رسانه‌ای شده بود.

همچنین یک روز پس از انتشار این خبر، مراسم عزاداری اربعین حسینی با حضور رهبر انقلاب اسلامی در حسینیه امام‌خمینی(ره) برگزار شد. از این دیدار فیلم‌ها و تصاویری از سخنرانی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای منتشر شد، همچنین فیلم‌هایی که ایشان هم در حال حرکت و هم به حالت ایستاده به ابراز احساسات دانشجویان عزادار امام حسین(ع) پاسخ می‌دادند که حاکی از صحت و سلامت ایشان بود. ۵. رسانه‌های مختلف ازجمله بی‌بی‌سی، ایران اینترنشنال، من‌وتو، العربی، رادیوزمان، صدای آمریکا، سازمان منافعین و شبکه‌های اجتماعی همسو و وابسته به جریان تحریف هم بدون تحقیق و بررسی با بازنشر مطلب نیویورک‌تایمز، سونامی دروغ را رقم زده‌اند. ۶. دروغ‌های این‌چینی به‌ویژه درمورد مقام‌مظهر رهبری مسبق به سابقه است، ازجمله اینکه مایکل لدین کارشناس روابط خارجی آمریکا بارها از جمله در دی ۸۸ از وخامت حال و… رهبری خبر داد و رسانه‌های غربی هم آن را بازنشر دادند. همچنین آمدنیوز در ۲۵ دی ماه ۱۳۹۶ باوجود دیدار مقام‌مظهر رهبری با میهمانان شرکت‌کننده در اجلاس بین‌المجالس کشور‌های اسلامی اعلام کرد بود رهبری در بخش مراقبت‌های ویژه بستری است و فردی که دیدار کرده «میرطاهر» بدل رهبری بوده نه خود رهبری؛ و در پاسخ به مطالبی که در این خصوص در رد ادعای آمدنیوز منتشر کرد، نوشته بود: «استاد ارتباطات از بیت‌رهبری چه خبری می‌تواند داشته باشد» که همان موقع نوشتم: «فضاوت و اظهارنظر در این مورد را به مردم واگذار می‌کنم؛ گذشت زمان هم دروغ بودن خبر آمدنیوز را ثابت خواهد کرد.»

۷. این دروغ‌پردازی‌ها و برخورد‌های دوگانه و مغرضانه در مورد ایران ادامه خواهد داشت و به نظر می‌رسد رویکرد و راهبردهای آنان نه‌تنها تغییر نخواهد کرد بلکه خشم آنان در مورد ایران تشدید هم خواهد شد. همچنین از تاکتیک‌های دروغ بزرگ، بمباران اطلاعات، تکرار، تحریف، مقایسه، سانسور بیش از پیش استفاده خواهند کرد.

۸. بی‌تردید ادامه رویکردها و راهبردهای مغرضانه رسانه‌های غربی و استفاده از تاکتیک‌های مختلف از جمله دروغ در مورد ایران بیشتر از روی استیصال و ناکامی است اما مجددا در شرایط حساس کشور، افزایش سواد رسانه‌ای را بیش و پیش از همه برای مسئولان و رسانه‌ها ضروری می‌دانم تا با تعامل و استفاده به‌موقع، درست و دگاکتری از ظرفیت عظیم رسانه، راهبردهای روایت اول و باردارندگانی را محقق کنند و کشگری افتد، در حوزه رسانه‌ها را سامان دهند.

۹. همچنین مجدد ضرورت افزایش سواد رسانه‌ای مردم را برای واکنسینه شدن در مقابل دروغ رسانه‌های مغرض و برخورد فعال با پیام‌های رسانه‌ها در عصر تعدد و کثرت رسانه‌ها یادآوری می‌کنم. و تغییر در ساختار رسانه‌های داخلی، «بازسازی انقلابی در حوزه فرهنگ و رسانه» و ایجاد «مجموعه‌های کنشگری فعال رسانه‌ای» را فریاد می‌زنم. ۱۰. و نکته پایانی اینکه اعتبار رسانه به مرور و تلاش او برای بیان حقیقت و دقت در تحلیل و صحت در اخبار و… به دست می‌آید اما امری دائمی نیست و با مواضع مخدوش، عاری از حقیقت و بیان اخبار کذب، اعتبار رسانه در داخل و خارج زایل می‌شود و پشتوانه اعتماد مخاطبان را از دست خواهد داد. کاری که نیویورک‌تایمز این روزها در بیان ادعای دروغ کسالت رهبر انقلاب انجام داد، از آن دست رویدادهای مهم در عرصه رسانه بود که نشان داد رسانه‌های غربی حتی رسانه‌ای مانند نیویورک‌تایمز بدون توجه به ضرورت حفظ اعتماد مخاطبان برای نیل به اهداف زودگذر حاضرند روی اعتبار چندین‌ساله خود قمار کنند.

*** استادا بنیادین**

{فرهنگی}

گله رضا بابک از به کار گیری مفاهیم سر دستی در تئاتر کودک

بخش فرهنگی – رضا بابک معتقد است بخش تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در این سال‌ها افت و خیز بسیار داشته و متأسفانه بیشتر افت داشته تا خیز.

رضا بابک از جمله هنرمندانی است که در دوره دانشجویی با همراهی بعضی از هم‌کلاسی‌های خود وارد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شده است. در آن مقطع اولین گروه تئاتر کودک و نوجوان کانون زیر نظر هنرمندی کاربلد به نام دان لافون ایجاد شد. هدف از تشکیل این گروه که عموماً نمایش‌هایی تعاملی و مشارکتی را برای کودکان اجرا می‌کردند، پرورش نسلی فرهیخته و هنرناس بود که توان تمیز دادن کارهای با کیفیت را از کارهای سطح پایین داشته باشند. برای تشکیل این گروه به چند جوان پر انرژی و پر انگیزه نیاز بود تا در کنار این هنرمند حرفه‌ای بتوانند این نمایش‌ها را اجرا کنند. بر همین اساس اولین گروه تئاتر کودک و نوجوان کانون با حضور مرضیه برومند، رضا بابک، بهرام شاه محمدلو، سوسن فرخ‌نیا، علیرضا هدایی (که همگی دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا بودند) و اردوان مفیدی

که نقش دستیار و مترجم گروه را داشت، تشکیل شد. این گروه زیر نظر دان لافون، کارگردان آمریکایی و با حضور نویسنده‌ای سرشناس همچون بیژن مفید فعالیت خویش را در اوایل دهه ۵۰ آغاز کرد که نتیجه آن اجرای نمایش‌هایی همچون «ترپ»، «کوئی موتی»، «عقاب»، «شاپرک خانوم»، «خورشید خانوم کتاب کن» (نوشته رضا بابک) شد.

رضا بابک و بهرام شاه محمدلو در اکتاب خود به تفصیل درباره تشکیل این گروه و فعالیت‌های آن پرداخته‌اند که در گزارش های بعدی به آن می‌پردازیم.

اما بابک در تحلیلی بسیار فشرده درباره روندی که در بخش تئاتر کانون در سال‌های آغازین فعالیت خود تا به امروز طی شده، می‌گوید: تئاترهایی که ما آن دوره کار می‌کردیم، بسیار حرفه‌ای‌تر و پیشروتر از کارهای مرسوم کودکان در آن مقطع بود. همچنانکه موضوعاتی که ما کار می‌کردیم، موضوعاتی بهتر در مقایسه با مضامین امروز نمایش‌های کودک بود. ضمن اینکه شکل اجراهای ما خیلی کودکانه نبود.

یادآوری می‌کند: بعد ازکانون هم نمایش‌هایی مانند «الدوز و کلاغ‌ها» یا «کدو قلقلی» را کار



که کار کودک برایشان آزمون و خطاست. به همین دلیل امروزه اغلب مفاهیم سردستی در تئاتر کودکان کار می‌شود آن هم با موسیقی و سر و صدای زیاد و پر از رنگ که بیشتر شبیه نمایش‌هایی است که افراد غیر حرفه‌ای در مهدهای کودک اجرا می‌کنند.

بابک تأکید می‌کند: کودک هم انسان است و بسیاری از مفاهیم انسانی را می‌توان برای او اجرا کرد ولی باید حساسیت‌های این گروه سنی را در نظر بگیریم و به همین دلیل در جهان، کارآمدترین هنرمندان برای کودکان کار می‌کنند. اگر باز هم مانند دهه ۵۰ و دهه‌های بعد از آن زمینه‌ای برای فعالیت هنرمندان حرفه‌ای چه در کانون و چه در دیگر مراکز فراهم کنیم، خواهیم دید که تئاتر کودک چگونه رو به رشد خواهد رفت. این هنرمند که از آغاز شکل‌گیری سینمای کودک در کانون پرورش فکری حضور داشته است، ادامه می‌دهد: در سینما هم همین مشکلات را داریم و تعداد آثار ارزشمند سینمای کودک به انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. در جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان گاه کارهای خوبی دیده می‌شود ولی جریان کلی سینمای کودک هم مانند تئاتر کودک جریان رو به رشدی نیست و سطح کیفی اغلب کارها نازل است.

تبلیغات تلویزیون انگلیسی است، فرهنگستان چه کار می‌کند؟

محمدعلی الستی: مردم گرسنه هستند، فرهنگ در اولویت نیست!

مهسا بهادری

محمدعلی الستی معتقد است ما کمترین توجه را به فرهنگ داریم، چون اولویتمان فرهنگ نیست.

ال‌سی من، انتخاب خاص تن»، «دیپوینت شایسته خانه تو»، «روغن فرد اعلا، این روزا یعنی اویلا»، دیلی مارکت، هم‌کرم، غنچه پلاس و … نام‌هایی که احتمالاً زیاد شنیدید. برندهای تجاری انگلیسی که هیچ ارتباطی به ادبیات و زبان فارسی ندارند.

شنیدن واژه‌های این‌چینی در طول روز چندان اتفاق عجیب و پیچیده‌ای نیست اما اینکه حجم بالای آگهی‌های رادیو و تلویزیون و تقریباً تمام شبکه‌های تلویزیونی درگیر این ماجرا شده، اتفاقی نسبتاً عجیب و پیچیده است.

در واقع اگر کمی دقیق‌تر نگاه کنیم متوجه می‌شویم که فرهنگستان ادبیات و زبان فارسی، هیچ همگامی و همراهی با تلویزیون ندارد و هر کدام بودجه‌ای جدا می‌گیرند، یکی برای تبلیغ زبان بیگانه و دیگری برای ترویج زبان فارسی. اینکه شورای نظارت، مجلس و مهتمتر از همه فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، در برابر این حجم از تخریب زبان فارسی به عنوان ناموس ملی کشور، سکوت کرده‌اند، جای تعجب دارد.

برای یافتن دلیل این ناهماهنگی و استفاده از نام‌های تجاری غربی برای محصولات سراغ دکتر محمدعلی الستی، جامعه‌شناس ارتباطات و استاد دانشگاه رقتیم تا متوجه شویم دلیل اصلی ترویج الفاظ بیگانه در جامعه چیست؟

❖ **چه اتفاقی افتاده که نام‌های تجاری که برای محصولات انتخاب می‌شوند اکثراً خارجی هستند و تلویزیون هم این نام‌ها را تبلیغ می‌کند؟**

اصولاً ورود واژگان به هر زبانی متناسب با تغییر شرایط تکنولوژی و شرایط اقتصادی مورد نظر اتفاق می‌افتد.

به میدان آمدن نام‌های تجاری تازه باعث ورود کلمات تازه به یک زبان می‌شود، در همه زمان‌ها هم یک عده از متولیان حفظ اصالت زبان تلاش می‌کنند که در فرهنگستان‌ها، معادلسازی، مقابل ناخالصی‌های وارد شده بایستند و در حال حاضر سرعت ورود کلمات جدید بسیار بیشتر از سرعت عوامل ایجاد اصالت در زبان است. فرهنگستان و گروه واژه‌گزینی کار خودش را انجام می‌دهد اما سرعت ورود کلمات جدید بیشتر از سرعت عوامل فرهنگستان است.

❖ **پس یعنی فرهنگستان هم کند عمل می‌کند؟**

حالا یا فرهنگستان کند عمل می‌کند، یا سرعت ورود کلمات بسیار سریع است، چون با توجه به تعداد نفرت و انرژی و بودجه محدود که در مقابل دنیایی از تحولات قرار گرفته، انتظار بیش از حد داشته باشیم.

❖ **حالا نکته ماجرا این است که فرهنگستان توانست پیامک را جایگزین اس‌ام‌اس کند اما نتوانست رایانک مالشی را به جای ثبت جا ببینداز، چرا ؟**

هیچ کس در زبان این واژه‌ها را تولید نمی‌کند و این کلمات به صورت ناخودآگاه در بین گویش داران ایجاد می‌شود و زبان شناس‌ها افرادی هستند که این لغت‌ها را شناسایی می‌کنند و به صورت منظم به مردم معرفی می‌کنند، بنابراین کسی نمی‌داند که کدام واژه‌ای در زبان مردم روان‌تر خواهد شد و کدام یک مورد پذیرش مردم قرار نمی‌گیرد. چه بسا که «راهبرد توانست جایگزین استراتژی شود اما «رست‌زایی» جایگزین سزارین نشد. طبیعتی است که فرهنگستان هم واژه‌هایی را پیشنهاد دهد، اما گاهی اوقات بخاطر سختی تلفظ یا هر موضوع دیگری واژه جایگزین مورد پذیرش قرار نگیرد.

البته یک دلیل دیگر هم وجود دارد، آن هم این است که کشورما برای فرهنگ و اصلاحات

کردیم که مورد توجه تماشاگران کودک و بزرگسال قرار گرفت.

بابک تأکید می‌کند: خودستایی نباشد ولی مدعی هستم نمایش‌هایی که ما در اوایل دهه ۵۰ روی صحنه می‌کردیم یا آثاری که بعدتر در تئاتر شهر یا تلویزیون کار کردیم، از زمان خودش بسیار بیشتر بود. اما در ۲۰، ۳۰ سال اخیر سطح تئاترهای کودک خیلی نازل بوده است که این وضعیت فقط به کانون محدود نمی‌شود. البته تک و توک کارهای درخشان هم داشته‌ایم و بعضی از گروه‌های جوان چه در کانون و ارزنده‌ای انجام داده‌اند ولی بخش اعظم نمایش‌های کودک کارهای کودکانه بوده تا نمایش‌هایی برای تماشاگر کودک و این نکته قابل تاملی است.

او البته معتقد است وجود موانعی مانند سانسور و دیگر مشکلات هم در ایجاد این وضعیت بی‌تاثیر نبوده و یادآوری می‌کند: در گذشته، هنرمندان حرفه‌ای نمایش‌های کودک را اجرا می‌کردند ولی در حال حاضر بیشتر گروه‌های بی‌تجربه در این زمینه فعال هستند

که کار کودک برایشان آزمون و خطاست. به همین دلیل امروزه اغلب مفاهیم سردستی در تئاتر کودکان کار می‌شود آن هم با موسیقی و سر و صدای زیاد و پر از رنگ که بیشتر شبیه نمایش‌هایی است که افراد غیر حرفه‌ای در مهدهای کودک اجرا می‌کنند.

بابک تأکید می‌کند: کودک هم انسان است و بسیاری از مفاهیم انسانی را می‌توان برای او اجرا کرد ولی باید حساسیت‌های این گروه سنی را در نظر بگیریم و به همین دلیل در جهان، کارآمدترین هنرمندان برای کودکان کار می‌کنند. اگر باز هم مانند دهه ۵۰ و دهه‌های بعد از آن زمینه‌ای برای فعالیت هنرمندان حرفه‌ای چه در کانون و چه در دیگر مراکز فراهم کنیم، خواهیم دید که تئاتر کودک چگونه رو به رشد خواهد رفت. این هنرمند که از آغاز شکل‌گیری سینمای کودک در کانون پرورش فکری حضور داشته است، ادامه می‌دهد: در سینما هم همین مشکلات را داریم و تعداد آثار ارزشمند سینمای کودک به انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. در جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان گاه کارهای خوبی دیده می‌شود ولی جریان کلی سینمای کودک هم مانند تئاتر کودک جریان رو به رشدی نیست و سطح کیفی اغلب کارها نازل است.



فرهنگی، خیلی هزینه نمی‌کند. همانطور که معتقدیم آموزش و پرورش و تربیت نسل جدید یکی از ارکان اصلی و مهم است اما هنوز نتوانستیم برای معلمانمان حتی یک زندگی متوسط فراهم کنیم این یعنی ما به هر دلیل نتوانستیم بودجه کافی در اختیار آموزش و پرورش قرار دهیم.

زبان هم به عنوان یکی از جنبه‌های پر اهمیت فرهنگ، مورد توجه و اولویت قرار نگرفته است به این خاطر که نمی‌توانند سرمایه‌گذاری کنند یا بودجه کافی طرح‌های پژوهشی را فراهم کنند. پس در یک کلام باید بگویم که ما این روزها به قدری در فشار هستیم که مباحث فرهنگی در اولویت ما قرار نمی‌گیرد بنابراین چندان هم نمی‌توان به موضوع زبان پرداخت.

❖ **هر چند که فرهنگستان تلاش می‌کند اما ما یک نهاد فرهنگی به نام صداوسیما داریم که به عنوان یک رسانه این تبلیغات را پخش می‌کند، بخش همین تبلیغات به ترویج و گسترش زبان بیگانه دامن می‌زند یا خیر؟**

همانطور که به آموزش و پرورش اشاره کردم باید بگویم صداوسیما ما نیز از این قاعده مستثنی نیست، اولویت‌های سیاسی صداو

سیما، بسیار بیش‌تر از اولویت‌های فرهنگی آن است و می‌دانیم که از ضعف بودجه هم رنج می‌برد و تمام این مواردی که درباره آن صحبت می‌کنیم در مقام شعار و حرف به آن پرداخته می‌شود، اما پای عمل که به میان می‌آید به آن پرداخته نمی‌شود.

❖ **خب با این نگاه ایراد را نه می‌توانیم به فرهنگستان وارد کنیم نه تلویزیون، اما نهادهایی که نام‌های تجاری را صادر می‌کنند، چرا نظارت و جدیت بیشتری روی این اسامی اعمال نمی‌کنند؟**

وقتی که مشکل اقتصادی و گرسنگی وجود دارد، یک شرکت خارجی می‌تواند، با پرداخت شیوه به متصدیان صدور مجوز، نام تجاری انگلیسی را به دست بیاورد. نکته ماجرا اینجاست که ما ضمانت اجرایی نداریم، چون فرهنگ در اولویت ما نیست و افراد گرسنه هستند، درآمدهای افراد کفاف زندگیشان را نمی‌دهد، کارشناسی که می‌خواهد مجوز صادر کند، با کمترین میزان پول می‌پذیرد که مجوز را صادر کند.

شما وقتی با یک جامعه گرسنه مواجه هستید اصلاً نمی‌توانید از فرهنگ صحبت کنید.

❖ **چرا میزان تاثیر گذاری زبان انگلیسی و عربی روی زبان فارسی بسیار زیاد است، اما مورد بر عکس آن وجود ندارد؟**

هر جامعه‌ای که سرعت و قدرت بیش‌تری در تولید اطلاعات و تولید صنعتی دارد، زبان خود را تحمیل می‌کند. زبانی که گویش‌گرانش نقشی در تولید جهانی ندارد و در همه زمینه‌ها رتبه پایینی دارند، چگونه می‌توانند زبان خودشان را به جهانیان تحمیل کنند؟ چرا زبان انگلیسی بین‌المللی شد، چون امپراطوری بریتانیا و ایالات متحده آمریکا، در جهان حکمرانی کردند. همانطور که زبان چینی درحال گسترش است، چون چین درحال تحمیل اقتصاد خود به جهانیان است.

❖ **پس در واقع می‌توانیم بگوییم که وضعیت اقتصادی ما حتی روی زبانمان هم تاثیر گذاشته است؟**

بله حتماً تاثیرگذار است، ملت‌هایی که دچار فروپاشی سیاسی و اقتصادی یا ورشکستگی می‌شوند زبانشان به شدت آسیب می‌بیند.

❖ **چرا نه تنها نماینده‌های مجلس برای این موضوع اقدامی نمی‌کنند، بلکه خودشان هم به این شرایط دامن می‌زنند؟**

کدام یک از نمایندگان مجلس توجهش به فرهنگ انتخاب شده که بخواهند به فرهنگ ارزش و بها بدهند؟

منبع : خبر آنلاین

خبر

پرویز پرستویی:

به من بگویند «سلبریتی» کهپیر می‌زنم



بخش فرهنگی– پرویز پرستویی، بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون گفت: معنای سلبریتی را نمی‌فهمم و نمی‌خواهم بفهمم. وقتی به من می‌گویند سلبریتی کهپیر می‌زنم و اصلاً خودم را سلبریتی نمی‌دانم. پرویز پرستویی در گفت‌وگو با ایرنا، با اشاره به این‌که از ساخت بی‌همچیز آخرین فیلمش در سینما بیش از دو سال می‌گذرد گفت: من کم‌کار نشدم. اما قرار نیست در هر کاری حضور داشته باشم. خوشحالم از این‌که دو سال و نیم از فیلم بی همه چیز می‌گذرد و من کار نکرده‌ام. پیشنهاد داشته‌ام و قبول کرده‌ام. البته نمی‌خواهم این نکته حمل بر خودستایی شود. ولی من به پرکارترین هنرپیشه بیکار معروفم.

من به پر کارترین هنرپیشه بیکار معروفم به پول توجیبی آدم‌ها احترام می‌گذارم

بازیگر فیلم‌ها و یادگار و آژانس شیشه‌ای درباره دلایل این غیبت توضیح داد: من به پول توجیبی آدم‌ها احترام می‌گذارم. در هر کاری نمی‌روم تا این پول توجیبی بیخودی هزینه نشود. پیشنهادهای متنوعی از نمایش خانگی و فیلم‌های سینمایی داشته‌ام که پول خوبی هم می‌دادند. ولی به چه قیمتی می‌خواهم این پول را به دست بیاورم؟ حاضر نیستم یک آدمی‌که در این شرایط سخت دارد زندگی می‌کند فیلمی را تماشا کند که خوب نباشد. به عنوان یک مخاطب معمولی، اگر بخواهی سینما بروی نصف‌روزت صرف می‌شود. من برای وقت مخاطب ارزش قائل هستم. یک هفته کار کردی و همه انرژی‌ات را گذاشته‌ای و می‌خواهی بخشی از درآمدت را خرج کنی. من کاری که احساس کنم نباید بکنم نمی‌کنم. ممکن است به خاطر این موضوع پنج سال هم بیکار بمانم. در کاری بازی می‌کنم که دغدغه داشته باشد.

فیلم باید گروه‌ای را باز کند

پرستویی با اشاره به تفاوت محصولات تلویزیون و نمایش خانگی با فیلم‌های سینمایی بیان کرد: مردم در خانه می‌نشینند و کنترل در دست می‌گیرند و خیلی راحت فیلم و سریال تلویزیون یا نمایش خانگی را می‌بینند. اگر قرار است در سینما بازی کنیم، بایستی یک فیلمی باشد که گروه‌ای را باز کند. وضعیت سینمای‌مان الان خوب نیست. تماشاگر اگر می‌خواهد از خانه بیرون بیاید و به سینما برود، کار ما باید خیلی جذاب باشد که تماشاگر را به سینما بکشاند. من اعتقاد دارم این کار شدنی است. تماشاگر به خاطر خیلی فیلم‌ها وقت گذاشته به سینما رفته و در صف هم ایستاده است. منظورم فیلم‌هایی که خودم در آن‌ها حضور داشته‌ام نیست. قرار نیست همه فیلم‌ها پیام داشته باشد. ممکن است اثر خوب یک فیلم کم‌دی باشد. طرف یک هفته کار کرده و می‌خواهد دو ساعت حالش خوب بشود.

مارمولک بیست سال پیش هم می‌توانست پخش شود

این بازیگر با اشاره به بخش فیلم مارمولک از تلویزیون گفت: مارمولک دیگر نخ نم‌ها شده است. بعد از قرآن و خیام و حافظ هر کسی که نسخه از فیلم مارمولک هم در خانه اش دارد. تلویزیون لطف کرد و بعد از بیست سال مارمولک را که مردم در سالن سینما و خانه‌هایشان دیدند پخش می‌کرد. مردم ۵۰۰ بار فیلم را دیده‌اند و صداوسیما باز دوباره پخش را سانسور می‌کند. این اصلاً لطفی ندارد. باید عینک بدبینی‌مان را برداریم. کاری که امروز پخش شده بیست سال پیش هم می‌توانست از تلویزیون پخش شود.

معنای سلبریتی را نمی‌فهمم

وی در پاسخ به این سوال که آیا خودتان را سلبریتی می‌دانید گفت: معنای سلبریتی را نمی‌فهمم و نمی‌خواهم بفهمم. وقتی به من می‌گویند سلبریتی من کهپیر می‌زنم، اصلاً خودم را سلبریتی نمی‌دانم.

پرستویی درباره واکنش هنرمندان به مسائل روز جامعه تأکید کرد: چطور مردم می‌توانند حرف بزنند در مقابل هنرمند و به قول شما سلبریتی نمی‌تواند؟ هنرمندی که با مردمش گره خورده چرا نمی‌تواند حرف بزند؟ هنرمند جزو مردم است، به عنوان یک نفر از مردم می‌تواند حرف بزند. من یک نفری هستم که مثل همه شناسنامه ایرانی دارم. من یک آدمی هستم که تفکری دارم و در این جامعه دارم. زندگی می‌کنم و ۶۷ سال هم از خدا عمر گرفته‌ام. بیش از نیم قرن در عالم هنر بوده‌ام. وقتی یک مشکل و معضلی را می‌بینم، فکر می‌کنم وظیفه دارم این موضوع را انتقال دهم.



نوید در نقش شهید غواص



بخش فرهنگی – نویدمحمدزاده در فیلم «فاتحان‌اروند» نقش شهید احمد امینی را بازی می‌کند. به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین: سازندگان فیلم «فاتحان‌اروند» به کارگردانی فرهاد فداکار و تهیه کنندگی سیدابراهیم علم‌امریان با موضوع رشادت‌های فرمانده شهید اهل رفسنجان حاج احمد امینی با انتخاب نوید محمدزاده ساخت فیلم را به زودی شروع می‌کنند.

شهابت نوید محمدزاده با شهید احمد امینی اصلی‌ترین دلیل حضورش در این پروژه بوده و گروه تولید منتظر پایان بازی نوید در سریال «اکتوبر» است تا تولید فیلم را کلید بزند. داستان «فاتحان‌اروند» درباره شهید حاج احمد امینی است که شخصیت بسیار دوست‌داشتنی داشته و از سوی شهید حاج قاسم سلیمانی به فرماندهی گردان غواص در عملیات‌های مختلف شرکت داشت. این اثر اولین فیلم بلند سینمایی فرهاد فداکار در سمت کارگردان است و در شهرهای رفسنجان، آبادان، بندرعباس تولید می‌شود.